استفاده از عقد قرض الحسنه به عنوان راهکاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی و کارکرد بانک های قرض الحسنه در اقتصاد ایران

مجید وکیلی

کارمند بانک قرض الحسنه رسالت ، دانشجوی ارشد مدیریت مالی مؤسسه آموزش عالی راغب اصفهانی

toopcell@yahoo.com

چکیده:

هدف این مقاله بررسی اجمالی عقد و بانک قرض الحسنه است که با اشاره به مفهوم و جایگاه قرض الحسنه در اسلام و قرآن، تأثیر آن بر متغیرهای مهم اقتصادی و نقش دولت در این رفتار پسندیده و اسلامی، به دنبال بررسی میزان کارآیی و قابلیت استفاده از این نهاد و بانکهای قرض الحسنه در راهبردهای توسعه اقتصادی و اثر آن در اقتصاد مقاومتی است. از این رو با مقایسه مفاهیم رشد و توسعه و تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، رابطه عقد قرض الحسنه و راهبردهای مذکور را بررسی نموده و در پایان نشان خواهد داد که بین عقد قرض الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، بویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، هماهنگی و سازگاری ویژه ای وجود دارد.

واژگان کلیدی:

قرض الحسنه،ربا،بانک قرض الحسنه، اقتصاد مقاومتی،توسعه

مقدمه:

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرةً

<کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنه) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟>

یکی از کارهای خداپسندانه ای که می توان با آن، گره ای را گشود، غبار غمی را از چهره سِتُرد، دلی را شاد کرد و اسباب خرسندی خداوند سبحان را به ارمغان آورد، قرض دادن است .اهتمام بدین مهم به گونه ای است که خداوند، وام دادن به غیر را قرض دادن به خود به حساب آورده است، چنان که می فرماید: کیست که به خدا قرض دهد تا خدا بر او چندین برابر بیفزاید؟[1]!

و نیزخداوند در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» این آیه تأکید دارد که هرچه می‌توانید قوت و توان خود را افزایش دهید و زمینه‌های استعداد و مقاومت را در جامعه‌ی اسلامی فراهم کنید. در این آیه‌ی شریفه خداوند متعال با صراحت بیان می‌کند جامعه‌ی اسلامی برای بالندگی در جهان باید متکی به خود باشد و برای این منظور باید خود را در برابر دشمنان در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله اقتصاد مقاومتی مجهز سازد و در نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۵ امیرالمومنین علیه اسلام می فرمایند:(من لم یصبرعلی کده صبرعلی الافلاس)< هرکس بر رنج کسب‌وکار صبر نکند، باید رنج فقر و نداری را تحمل کند.> این آیه و روایت باید سرلوحه‌ی اقتصاد مقاومتی باشد. در قرآن و احادیث عبارات زیادی در مورد جهاد اقتصادی داریم که در آن‌ها مسئله‌ی عزت اسلام و مسلمانان موضوع محوری است. عزت از منظر قرآن کریم به‌معنای شکست‌ناپذیری است و ملت عزیز، ملتی است که مقاومت و پایداری کرده و فشارها را تحمل می‌کند تا به سربلندی دست یابد. از این رو بانکهای «قرض الحسنه» که با انجام فعالیت های مربوطه بر روی متغیرهای مختلف اقتصادی، به ویژه متغیرهای پولی، تابع مصرف و تابع توزیع درآمد تاثیر می گذارند و نیز نظام بانکی رکن اصلی حمایت از اقتصاد و صنعت است چرا که بر خلاف بسیاری از کشورهای پیشرفته که بازار سرمایه نقش مهمی در اقتصاد دارد،اقتصاد ایران بانک محور است درنتیجه عملکرد بانکها و اقتصاد کشور به شدت یکدیگر را تحت تاثیر قرار میدهند لذا تقویت بانکداری قرض الحسنه منجر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور در راستای اقتصاد مقاومتی می شود.در این مقاله به صورت مختصر به بررسی هر یک از این تاثیرهاو تاثیر آن در اقتصاد مقاومتی می پردازیم.

اقتصاد مقاومتی:

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید گردد.

مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، تاکید کردند که اقتصاد مقاومتی خواهد توانست الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند و نیز ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز

بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، برخی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید به شرح زیر میباشد:

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲ -محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویتِ رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۳-مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید

۴-اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

اقتصاد مقاومتی از نگاه قرآن:

اگر مشاهده می‌کنیم که رهبری اصرار خاصی به شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی دارند از این حیث است که این اقتصاد دارای ریشه‌ای اعتقادی و دینی است؛ در قرآن مجید آیات فراوانی به ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کند.

یکی از نکات کلیدی که در بحث اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرین است، بحث غایت این اقتصاد است؛ از نظر اسلام، اقتصاد و کسب سود اقتصادی(رشد اقتصادی) هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای برای تعالی جامعه انسانی و اسلامی (توسعه جامعه) است.

شاخصه اقتصاد از نگاه امام علی(علیه السلام):

امیرالمومنین برای ما شاخصه‌های اقتصاد را بیان کرده است؛ امام علی(علیه السلام) امنیت اشتغال و درآمد و در کل امنیت اقتصادی در جامعه را متضمن امنیت در عرصه‌های داخلی و خارجی می‌دانند زیرا امنیت تنها در عرصه انتظامی یا جاسوسی و... خلاصه نمی‌شود بلکه یکی از قطعات تکمیل کننده پازل امنیت، امنیت اقتصادی است.

امنیت، اشتغال و درآمد، امنیت سرمایه گذاری، زدودن تبعیض و شکاف‌های طبقاتی، ثبات سیاسی و نظام اداری و دوری از فساد در سیستم اداری و اقتصادی از جمله مباحثی است که امام علی(علیه السلام) از آنها به عنوان مولفه‌های اصلی اقتصاد اسلامی یاد می‌کند.

اقتصاد مقاومتی در کلام شهید مطهری:

شهید مطهری درباره‌ی تسلط و نفوذ غیرمسلمان بر مسلمان می‌نویسد: اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به‌طرف غیرمسلمان دراز نباشد، والّا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به‌طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده‌ی اوست و اعتباری به تعارف‌های دیپلماسی معمولی نیست. به قول نهرو، ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «احتج الی من شئت تکن اسیره، استغن عمن شئت تکن نظیره، احسن الی من شئت تکن امیره.»

‹محتاج هرکه شوی، اسیر او خواهی بود. بی‌نیاز از هرکه گردی، با او برابر خواهی شد و هرکه را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد..› چقدر جهالت و حماقت است که آدمی ارزش سلامت بنیه‌ی اقتصادی را درنیابد و نفهمد اقتصاد مستقل یکی از شرایط حیات ملی است.

نظر اسلام در مورد اقتصاد مبتنی است بر یک اصل فلسفی و آن اینکه زمین و منابع اولیه برای بشر و برای اینکه زمینه‌ی فعالیت و بهره‌برداری بشر قرار بگیرد، آفریده شده است: «ولقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون: و همانا شما را در زمین مأوا دادیم و در آن برای شما روزی‌ها قرار دادیم و چه کم شکرگزاری می‌کنید.

امامان شیعه همه اهل تولید و کشاورزی بودند. حتی برخی امامان ما در همان زمان امامتشان اهل تجارت و سرمایه‌گذاری بودند. امام صادق علیه السلام اهل سرمایه‌گذاری بوده. ایشان هزار درهم به مصادف می‌دهد تا تجارت کند.

روایات متعددی از کشاورزی امام باقر و امام کاظم علیهما السلام داریم که این بزرگان اهل تولید و کار بودند. امام علی علیه السلام باغداری و نخل‌کاری می‌کردند. روایاتی مثل «الکاسب حبیب‌الله» مؤید این موضوع است. همکاری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها در زمینه‌ی تجارت، در قالب مضاربه صورت می‌گرفت.

از این رو اسلام دو نوع پیوند با اقتصاد دارد: پیوند مستقیم از طریق یکسری مقررات اقتصادی درباره‌ی مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها و... و مباحث مفصل تحت عنوان کتاب بیع، اجاره، ارث و وقف و... و پیوند غیرمستقیم از طریق اخلاق، مانند سفارش به امانت، عدالت، احسان و منع دزدی و خیانت و رشوه و قرض الحسنه.

دین، ستون فقرات اقتصاد مقاومتی :

در همین راستا، مرحوم کلینی (ره) در کتاب شریف «کافی» بیانی را از وجود مبارک پیغمبر (ص) نقل می‌کنند که وجود مبارک پیغمبر به خدای سبحان عرض می‌کند: «اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرّق بیننا و بینه فلولا الخبزُ ما صُمنا ولا صَلَّیْنا ولا أدَّینا فرائضَ ربِّنا عزّوجلّ» یعنی خدایا بین ما و نان ما جدایی نینداز. منظور از نان، اقتصاد است. نان یعنی اقتصاد مملکت. عرض کرد خدایا بین مسلمان‌ها و نان آن‌ها، اقتصاد آن‌ها جدایی نینداز. زیرا اگر بین مسلمین و نان آن‌ها جدایی افتاد، دیگر دین‌داری مشکل است.و خداوند درباره‌ی نقش اقتصاد در جامعه‌ی بشری در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء آیه ۵ فرموده: «وَلاَ تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَکُمُ الَّتِی جَعَلَ اللّهُ لَکُمْ قِیَاماً» اموال خود را (که خداوند آن را وسیله‌ی قوام زندگی شما قرار داده) به سفیهان و بی‌خردان مدهید.».اقتصاد از نظر آموزه‌های قرآنی سبب قوام جامعه است. عامل قیام و مقاومت ملت همان مسائل اقتصادی است به این معنا که جامعه‌ی بشری با اقتصاد، برپا می‌ایستد. درحوزه عمل اقتصادی خداوند خواهان اقتصاد مقاومتی است به طوری که اقتصاد فرد مسلمان و جامعه اسلامی بر پایه خود استوار بوده و به جز خداوند به کس یا جایی تکیه نداشته باشد البته از نظر اسلام خود اقتصاد نقش اساسی و مهمی در زندگی بشر و جامعه انسانی ایفا می‌کند؛ (تفسیر المیزان و تفسیر نمونه، ذیل آیه)

در این آیه، خداوند اموال، یعنی امر اقتصادی را به‌عنوان عامل قیام جامعه دانسته است. پس نقشی که اقتصاد در جامعه ایفا می‌کند، همانند ستون میانی خیمه است که خیمه را برپا نگه می‌دارد و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد. اگر اقتصاد جامعه از بین برود یا سست و ضعیف شود، به همان میزان جامعه آسیب میبیند. از این آیه و آیات دیگر قرآنی می‌توان اهمیت اقتصاد را در زندگی بشر و نیز برپایی جامعه به دست آورد. البته خداوند در آیاتی چون ۸۵ سوره‌ی اعراف و ۸۴ تا ۸۶ سوره‌ی هود، تأمین سعادت واقعی انسان را در سایه‌ی یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی دانسته و در آیات ۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۸۳ و ۱۷۷ و ۲۷۷ سوره‌ی بقره و ۳۹ سوره‌ی نساء و ۲ و ۳ سوره‌ی انفال و آیات دیگر، امور اقتصادی و معیشتی مردم را دارای جایگاهی مهم در حد مسائل اعتقادی و عبادی قرار داده است.

از نظر قرآن اقتصاد تنها در حوزه‌ی امور مادی انسان و جامعه نقش ندارد، بلکه نقشی فراتر از آن می‌توان برای اقتصاد تعریف کرد. ازهمین‌رو خداوند بر نقش بهره‌مندی‌های اقتصادی در امور معنوی و معنویت تأکید می‌کند.

آیات قرآن از انسان‌ها می‌خواهد تا مسئولیت خویش را به‌عنوان خلیفه‌ی الهی در زمین با آبادانی زمین که همان فعالیت‌های اقتصادی است،به‌درستی انجام دهند، زیرا با این روش است که انسان می‌تواند به کمال خویش دست یابد و به‌عنوان انسان کامل به بهشت برین درآید و همان‌طوری که ایمان به‌عنوان عمل صالح در آموزه‌های قرآنی عامل ورود به بهشت معرفی شده، اعمال اقتصادی چون انفاق، احسان مالی، اکرام مالی، اطعام، صدقه، قرض‌الحسنه و مانند آن‌ها به‌عنوان عمل صالح، عامل اصلی ورود به بهشت دانسته شده است.

براساس آیات قرآنی، داشتن اقتصاد مقاومتی همانند اقتصاد قوام‌بخش، ضروری و لازم جامعه‌ی اسلامی است. جامعه‌ی اسلامی نه‌تنها باید دارای اقتصادی سالم و شکوفا و قوام‌بخش باشد، بلکه باید دارای اقتصاد مقاومتی باشد که آن را از دشمنان حفظ کرده و اجازه ندهد تا جامعه در برابر دشمنان خوار شود. قرآن بر ضرورت اقتصاد مقاومتی به اشکال گوناگون تأکید کرده است. از جمله مهم‌ترین آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی توبه است. خداوند در این آیه نه‌تنها نیازمندی اقتصادی جامعه‌ی اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند، بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را مورد تشویق قرار داده و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با مشرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه‌تنها اختلالی به وجود نمی‌آورد، بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد.

مفهوم قرض:

واژه «قرض» در لغت به معنی بریدن با دندان است و در اصطلاح فقهی یکی از عقدهای شرعی است که به واسطه آن کسی مدیون و وامدار دیگری می شود. تحقق شرعی قرض دادن به دیگری منوط به ایجاب و قبول است، البته به شرطی که دهنده وام شرط زیاده در بازپرداخت مال نداشته و گیرنده مال قصد بازپرداخت وام را داشته باشد.

در این صورت به محض واگذاری مال به گیرنده وام، وی حق تصرف در آن مال را دارد، و مال مفروض در زمره دیون وی قرار می گیرد که در صورت شرط زمان در بازپرداخت وام، وی ملزم به بازپرداخت آن در زمان مشخص است وگرنه به محض طلب قرض دهنده، ملزم به بازپرداخت مال است.

عقد قرض الحسنه:

قرض الحسنه اعطایی, عقدی است که به موجب آن بانک ها می توانند به عنوان قرض دهنده مبلغ معیّنی را طبق ضوابط مقرر به افراد یا شرکت ها به قرض واگذار نمایند و گیرنده متعهّد می شود معادل مبلغ دریافتی را باز پرداخت نماید. طبق ماده ۱۴ قانون بانکداری بدون ربا و آیین نامه اجرایی مربوطه, بانک ها مجازند در موارد زیر اقدام به اعطای قرض الحسنه کنند:

الف. به شرکت های تولیدی و خدماتی که فعالیت آن ها اشتغال زا و در جهت تأمین مایحتاج ضروری جامعه است؛

ب. به افرادی که به طور مستقیم به امور کشاورزی و دامپروری مبادرت نمایند؛

ج. برای رفع نیازهای افراد در موارد: هزینه های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی، کمک برای ایجاد مسکن در روستاها.

مدّت بازپرداخت قرض الحسنه های تولیدی حداکثر پنج سال و قرض الحسنه های اعطایی برای رفع نیازهای شخصی سه سال می باشد.

بانک ها به منظور حصول اطمینان از وصول مطالبات, تأمین کافی از مشتری می گیرند. و حق دارند از بابت اعطای قرض الحسنه ۲/۵ درصد کارمزد دریافت کنند؛ (امام خمینی، ۱۳۷۶, ج۲: ۲۹۸، سؤال ۴۱ و ۴۲).

مسأله توسعه بیش از نیم قرن است که اذهان اندیشمندان و سیاستگذاران را به خود معطوف نموده است و در مراکز علمی مباحث نظری و کاربردی نیل به آن مورد کنکاش قرار گرفته و می گیرد. در ادبیات مربوط به توسعه، نتیجه تلاشهای اندیشمندان و دولتمردان به استراتژیهای توسعه شهرت یافته است.

بنابراین، نهادهای موجود در جامعه نیز باید، ضمن تعامل با یکدیگر، در چارچوب استراتژی معین، در جهت دستیابی به هدف مطلوب حرکت نمایند، این نوشتار به بررسی نقش عقد قرض الحسنه (به عنوان یکی از نهادهای موجود در جوامع اسلامی) در راهبردهای مختلف توسعه اقتصادی می پردازد.

پیشینه نهاد قرض الحسنه به سابقه زندگی اجتماعی انسانها برمی گردد. در ادبیات به ارث رسیده از تمدنهای گذشته، ربا به شدت نکوهش شده و در مقابل وامهای بی بهره (قرض الحسنه) و کم بهره مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است. از این رو با توجه به سابقه دیرینه این نهاد، در جوامع اجتماعی و زمینه های رشد و گسترش آن در جوامع اسلامی، انتظار می رود، بررسی نقش این نهاد در راهبردهای توسعه اقتصادی، گامی در جهت تقویت ادبیات نظری موجود و زمینه ساز استفاده بهینه از آن در مقام اجرای سیاستهای اقتصادی باشد.

مفهوم قرض الحسنه:

اصطلاح قرض الحسنه در کشور ایران و در میان فارسی زبانان از خواص و عوام معروف است و بطور شایع استعمال می شود. معادل عربی ترکیب قرض الحسنه، القرض الحسن است. چنانکه برخی از کتابهای لغت نیز به آن تصریح کرده اند.(جر: ۱۶۲۸/۲) «مقصود از القرض الحسن هم آن است که از مال حلال بوده و منّت، اذّیت و ربا را به دنبال نداشته باشد. اما مقصود از قرض الحسنه دادن به خدا، صدقه ای است که با نیت پاک و صرفا به خاطر خدا داده شود» و می توان گفت، «همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض الحسنه ای هستند که به خدا تحویل داده می شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد.»(قرشی: ۳۰۷/۵) متشرعین نیز قرض صحیح غیر ربوی بین انسانها را با تأسّی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیده اند.

قرض الحسنه از عقود معوضه است که به واسطه آن مالی از ملکیت قرض دهنده خارج و به قرض گیرنده منتقل می شود و در مقابل ذمّه قرض گیرنده، به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال، مشغول می شود. در ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران نیز چنین آمده است:

«قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند، که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف ردّ نماید و در صورت تعذّر ردّ مثل، قیمت یوم الرّد را بدهد.

باید توجه داشت که نگاه به قرض الحسنه به عنوان یک رفتار اقتصادی، بر خواسته از انگیزه های ایمان، ایثار، گذشت و نوع دوستی است.

جایگاه قرض الحسنه:

ظهور و بروز هر رفتاری، از جمله رفتارهای اقتصادی، ناشی از انگیزه های درونی انسانها می باشد و جایگاه هر رفتار در مقایسه با سایر امور مشابه آشکار می گردد. از این رو برای تبیین قرض الحسنه، رفتارهای اقتصادی مورد نظر را از دیدگاه عرضه کنندگان و متقاضیان وجوه به صورت مستقل بررسی می کنیم.

از سمت عرضه کنندگان وجوه اصولاً با توجه به انگیزه های عرضه کنندگان وجوه و سرمایه، رفتارهای اقتصادی را می توان به دو گروه تقسیم نمود: ۱- رفتارهایی که به انگیزه سود ابراز می شوند. مانند بیع (خرید و فروش)، اجاره، مشارکت، مضاربه و... ۲- رفتارهایی که ایثار عامل اصلی تحقق آن است. مانند: انفاق، صدقه، وقف، هبه، عاریه، قرض الحسنه و....

ناگفته پیداست که قرض الحسنه با رفتارهای اقتصادی نوع اوّل، از منظر عرضه کننده، تفاوت اساسی دارد. چون در بیع مالی با مال دیگر مبادله می شود و هر طرف سعی می کند تا مالی را که به دست می آورد - لااقل در نظر و مطلوبیت خاص خودش - از آنچه از دست می دهد با ارزش تر باشد.

در حالی که قرض دهنده مال را به ملکیت مقترض در می آورد و درجستجوی سودی نیست و صرفا عین مال یا مثل یا قیمت آن را در آینده طالب است و با این رفتار سودی عاید او نمی شود، بلکه با اتکاء به ارزشها و اعتقادات خویش از استیفاء منافع و هزینه فرصت آن کالا در طول مدت قرض، صرف نظر می کند.

قرض الحسنه با مشارکت، مضاربه و مانند آنها نیز فرق اساسی دارد. انگیزه اصلی در همه این قراردادها بهره مندی از سود بیشتر (لااقل در نظر طرفین قرارداد) می باشد. ولی در قرض الحسنه هیچ شائبه ای برای برخورداری از سود وجود ندارد. چون سود در آن، نه تنها موجب حرمت (و به نظر برخی موجب بطلان) معامله می گردد، بلکه ماهیت آن را عوض نموده و آن را به معامله ربوی تبدیل می کند.

تشریح و تأثیر نهاد قرض الحسنه، بر متغیرهای مهم اقتصادی ،به وضوح اهمیت آن را بیان خواهد کرد. از این رو این قسمت از نوشتار به اختصار به بررسی نقش قرض الحسنه بر مصرف ،پس انداز، خلق پول و سایر متغیرهای اقتصادی اختصاص یافته است.

قرض الحسنه و مصرف:

عوامل متعددی بر مصرف مؤثرند که مهم ترین آنها، درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع درآمد، نرخ بهره، سطح قیمتها، انتظارات، تسهیل اعتبارات مصرفی،... می باشند. البته درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع مناسب درآمدها و تسهیل اعتبارات مصرفی، رابطه مستقیم و نرخ بهره و سطح قیمتها رابطه معکوس با مصرف دارند؛ بنابراین تأثیر مثبت (یا منفی) قرض الحسنه بر عوامل نوع اول، موجب افزایش (یا کاهش) مصرف و اثر مستقیم (یا معکوس) آن بر عوامل نوع دوم، موجب کاهش (یا افزایش) مصرف خواهد شد.

در جامعه اسلامی از آنجایی که فرد مسلمان، قرض گرفتن را مکروه می داند و تنها در صورت نیاز، متقاضی می شود، می توان انتظار داشت که با فرض ثبات سایر شرایط، پس از دریافت قرض الحسنه، مصرف جاری او بطور مقطعی افزایش یابد. و اگر با تلاش بیشتر یا هر طریق دیگر، گیرندگان وام بتوانند درآمد خود را در دوره های بعد جهت بازپرداخت قرض افزایش دهند و یا وجوه مزبور را در امور تولیدی و کسب سود به کارگیرند، انتظار می رود که وامهای قرض الحسنه، افزایش مصرف را در پی داشته باشد.

قرض الحسنه و پس انداز:

پس انداز در واقع ترجیح فایده نهایی مصرف و قدرت خرید آینده به حال است. بنابراین پیش بینی افراد از آینده و در واقع میزان بازدهی پس انداز در آینده، بر این رفتار بسیار موثر است. اگر چه در علم اقتصاد متعارف، بازدهی مادی، مدّ نظر قرار می گیرد، اما در جامعه اسلامی و در رفتار فرد مسلمان، بازدهی معنوی و اخروی می تواند، از عوامل مؤثر در تصمیم گیریها باشد.

فرد مسلمان درآمد قابل تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و...) و پس انداز تقسیم می کند و چون قرض ربوی حرام است، پس انداز را نیز به دو قسم می کند. الف: قرض الحسنه (پس انداز در بانک قرض الحسنه و...) ب: سرمایه گذاری در مشارکت و... برای کسب سود. از آنجا که ثواب زیادی برای قرض الحسنه در متون اسلامی ذکر شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس انداز به این عمل پسندیده خلاف واقع نیست. اگر وام گیرنده، این وجوه را در سرمایه گذاری و مشارکت در تولید، به کاراندازد یا آن را صرف خرید کالاهای بادوام نماید، از پس انداز کل کاسته نمی شود. ولی اگر آن را در خرید کالاهای مصرفی بی دوام هزینه کند، از پس انداز کل به نفع مصرف کل جامعه کاسته می شود.

قرض الحسنه و خلق پول:

سپرده دیداری از سپرده های پس انداز و مدت دار، دارای قدرت نقدینگی بسیار بیشتری است ، چون منشأ انتشار آن اراده صاحب حساب می باشد. بنابراین هرگاه بانکها یا مؤسسات اعتباری، اقدام به قبول سپرده جاری و افتتاح حساب جاری نمایند قادر خواهند بود که پول تحریری خلق کنند. بنابراین می توان گفت: بانک قرض الحسنه، در خلق پول تحریری نقش قابل ملاحظه ای دارند.

تاثیر بر متغیرهای پولی:

از آن جا که صندوق های قرض الحسنه هم اقدام به جذب سپرده های قرض الحسنه می کنند و هم آن ها را در قالب وام های قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می دهند، موثر بر روی نقدینگی و ضریب تکاثری نقدینگی خواهند بود. به عبارت دیگر، صندوق های قرض الحسنه از سمت تقاضای پول به رشد نقدینگی و از طرف عرضه، به افزایش ضریب تکاثری کمک می کنند.

قرض الحسنه و سایر متغیرها:

با عنایت به ارتباط وثیق بین متغیرهای اقتصادی، با تعمق و تدّبر می توان به تأثیر قرض الحسنه، بر سایر متغیرهای مهم اقتصادی نیز پی برد. مثلاً در مورد رابطه قرض الحسنه با اشتغال و تورم می توان چنین گفت: همان طوری که ذکر شد، قرض الحسنه را می توان به مصرفی و تولیدی تقسیم کرد. بنابراین اگر این وجوه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می یابد و اگر عرضه این کالاها با کشش باشد، مازاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلافاصله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می شود. و نیزحکومت اسلامی موظف است که همراه با گسترش نهاد قرض الحسنه، زمینه ای فراهم آورد، تا همگام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور، تولید آنها نیز افزایش یابد.

در قرضهای تولیدی نیز چون بدون واسطه، وجوه وام گرفته شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می یابد، می توان انتظار داشت که اشتغال افزایش یابد. چون قرض الحسنه های تولیدی به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آنها اختصاص می یابد، انتظار افزایش اشتغال به واسطه آن، بیجا نیست.

در مورد قرض الحسنه و تولید و تأمین نیازهای اساسی نیز، می توان گفت: با توجه به این که فرد مسلمان موقعی متقاضی وام می شود که نیاز ضروری به آن داشته باشد قرض الحسنه موجب می شود تا تقاضا برای کالاهای اساسی افزایش یابد و با افزایش تقاضا و سود آورتر شدن تولید این نوع کالاها، انتظار می رود، الگوی تولید کشور به سمت کالاهای اساسی جریان یابد و تأمین نیازهای اساسی برای اقشار نیازمند جامعه آسان تر شود که همین امر زمینه را برای توسعه پایدار متناسب با جوامع توسعه نیافته، بویژه جوامع اسلامی فراهم می کند. که این ایجاد توسعه پایدار نقش مهمی در ایجاد و فراگیر شدن اقتصاد مقاومتی در جامعه اسلامی معتقد به عقد قرض الحسنه دارد.

قرض الحسنه و کاهش هزینه های تولید:

از دیدگاه اقتصاد خرد، تولیدکننده همیشه در پی حداکثر کردن سود اقتصادی است. سود مابه التفاوت درآمد کل و هزینه کل به شمار می رود. این سود، هنگامی به حداکثر می رسد که قیمت محصول، با هزینه نهایی برابر باشد P=MC. حال اگر فرایند تولید را بلند مدت فرض کنیم، یکی از اقلام تشکیل دهنده هزینه نهایی (MC) نرخ بهره است که تولیدکننده به ازای هر واحد اضافی می پردازد.

نرخ بهره تعادلی در نظام بهره بر اساس الگوی کینزی یا نئوکلاسیک ها به این صورت است که اگرS و Dبه ترتیب، منحنی های عرضه و تقاضای پول باشند، نمودار، بازار پول بر اساس نظریه رجحان نقدینگی کینز را نشان می دهد، و اگر کل وجوه عرضه شده و کل وجوه تقاضا شده برای استقراض باشد، الگوی وجوه استقراض نئوکلاسیک را می نمایاند. محل تقاطع منحنی های S وD ، نرخ بهره تعادلی (re)را مشخص می سازد. حال اگر تولیدکننده بر اساس وام دریافتی که به ازای آن، نرخ ثابت و معینی را می پردازد، وارد تولید کالا شود، هزینه های تولیدی او به میزانی که نرخ بهره می پردازد، بالا خواهد رفت؛ در صورتی که اگر به جای نرخ بهره از«قرض

الحسنه» به عنوان جایگزین استفاده کند، این بخش از هزینه ها حذف شده؛ در نتیجه توابع هزینه به همان اندازهCr کاهش می یابد. هزینه نهایی و متوسط تولیدکننده استفاده کننده از قرض الحسنه در هر سطحی از تولید، از تولیدکننده استفاده کننده از وام با بهره پایین تر است و اثر آن در دو مسئله مهم پدیدار می شود.

.۱تولیدکننده استفاده کننده از قرض الحسنه در سطح قیمتPo ، می تواند تولید خود را تا سطح q۱ افزایش دهد؛ در حالی که چنین امکانی برای تولیدکننده استفاده کننده از وام بهره ای وجود ندارد.

.۲اگر قیمت بازار برای کالاهای مورد نظر به عللی، کاهش یابد و از سطح Po به P۱ برسد، تعطیلی برای تولیدکننده استفاده کننده وام بهره ای اجتناب ناپذیر است؛ در حالی که تولیدکننده استفاده کننده از قرض الحسنه می تواند تا قیمت P۱ به تولید ادامه دهد. این توضیح لازم است که تحلیل پیشین بر اساس هزینه های تحقق یافته است، نه بر اساس هزینه فرصت؛ چرا که هزینه فرصت، به نوع تأمین مالی ارتباط ندارد. به عبارت دیگر برای تصمیم به سرمایه گذاری برای تولید، ملاک هزینه های فرصت است و چه بسا این هزینه ها در هر دو شیوه تأمین مالی تفاوتی نداشته باشد؛ اما در مقام عمل هزینه های تحقق یافته برای تولیدکننده پایین بوده، در نتیجه در عرصه اقتصاد واقعی به ویژه در مقام رقابت، انعطاف پذیری بیش تری دارد و استوارتر خواهد بود .

اما همان طور که قبلاً گفته شد، استفاده از قرض الحسنه برای تأمین مالی، چه در سیستم بانکداری اسلامی و چه به صورت شخصی توسط خود افراد، زمانی صورت می گیرد که فرد وام گیرنده توانایی بازپرداخت سود را ندارد؛ بنابراین آن چه در مورد کاهش هزینه های تولید گفته شد تنها به واحدهای کوچک تولیدی که امکان بازپرداخت سود را ندارند و یا افرادی از گروه های پایین درآمدی که قصد احداث واحدهای تولیدی کوچک و یا متوسط را دارند تعلق می گیرد. پس استفاده از وام های قرض الحسنه برای این دسته از تولیدکنندگان به دو صورت بر توزیع درآمد مؤثر است: اولاً: با توجه به افزایش قدرت رقابت از جهت مقدار تولید و قیمت فروش و افزایش انعطاف پذیری واحدهای تولیدی مذکور، امکان حضور، بقا و تداوم این تولیدکنندگان در عرصه اقتصاد واقعی افزایش می یابد. بنابراین با تداوم جریان درآمدی این بنگاه ها و کسب سود توسط آنها با توجه به این که تولیدکنندگان مذکور را عموماً گروه های پایین درآمدی تشکیل می دهند، توزیع درآمد تدریجاً بهبود می یابد. ثانیاً: با تثبیت سود حاصل از فعالیت های اقتصادی در بین گروه های پایین درآمدی که قبلاً به صورت نرخ بهره به صاحبان سرمایه ها و پس اندازها تعلق می گرفت، توزیع درآمد در میان این افراد بهبود می یابد.

کاهش هزینه تولید طبق آن چه توضیح داده شد، افزایش سرمایه گذاری و افزایش تولید را در بر دارد. در واقع آن دسته از گروه هایی که قبلاً به دلیل بالا بودن هزینه های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه گذاری را نداشتند، حال با استفاده از منابع قرض الحسنه به تولید روی می آورند، در نتیجه استفاده از قرض الحسنه در تأمین مالی این بنگاه ها به افزایش تولید می انجامد. اثر اقتصادی دیگر افزایش سرمایه گذاری که در حقیقت بر افزایش تولید پیشی دارد، افزایش اشتغال نهاده های تولیدی است. در حین افزایش تقاضای سرمایه گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولید مثل زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و ... که بدون استفاده باقی مانده بودند، فراهم می اید که این از ارکان اقتصاد مقاومتی است.

با توجه به مطالب پیشین انتظار داریم با جایگزینی سیستم تأمین مالی قرض الحسنه در برخی موارد به جای سیستم تأمین مالی نظام بهره و یا سیستم مبتنی بر سود، در پی بالارفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یابد.

این مطالب از دیدگاه خرد هم قابل توجیه است چون با کاهش هزینه ها (حذف هزینه بهره) تولید هر بنگاه فزونی گرفته، و سطح عمومی قیمت ها کاهش می یابد؛ البته در اثر بالا رفتن اشتغال که خود منجر به بهبود توزیع درآمد می گردد، انتظار داریم که منحنی تقاضای کل افزایش می یابد؛ اما در مجموع قیمت ها پایین می اید.

قرض الحسنه و توزیع مناسب درآمدها :

توزیع مناسب درآمدها موجب ثبات اجتماعی و سیاسی جامعه و زمینه ساز ایجاد بستر مناسب برای برنامه ریزی با ثبات و هدفمند اقتصادی است.در قرض الحسنه، قرض دهنده اصل مال را به تملیک دیگری درمی آورد تا عوض (عین، مثل یا قیمت) آن را در موعد مقرر بدون هیچ گونه زیاده ای پس بگیرد. این رفتار اقتصادی، باعث انتقال مبالغ و منابعی از طبقات ثروتمند جامعه برای مدتی معین به نیازمندان آن برای رفع نیازهای مصرفی ضروری یا تهیه امکانات لازم برای بنگاههای کوچک تولیدی یا خدماتی می شود.

البته قرض دهنده بر اساس اعتقاد به ارزشهای دینی یا حس نوع دوستی به این عمل نیکو اقدام می کند و با کسب ثواب اخروی یا ارضای حس نوع دوستی، مطلوبیت کسب می کند. اما در هر حال اثر خارجی این رفتار اقتصادی، چشم پوشی از هزینه فرصت استفاده از وجوه توسط صاحبان ثروت و انتقال آن به نیازمندان است که در واقع موجب انتقال درآمد از طبقات بالای درآمدی به سطوح پایین تر جامعه و در نتیجه باعث بهبود توزیع درآمدها و شاخص ضریب جینی و مانند آن می شود.

بنابراین،دولت اسلامی به دلایل مختلف ناچار و حتی ملزم به دخالت در قرض الحسنه است و در استفاده از این عقد در راهبردهای توسعه اقتصادی نمی تواند، نسبت به تأثیر قرض الحسنه بر شاخصهای مهم اقتصادی اجتماعی مانند توزیع درآمدها، بی توجه باشد.

۱.تحریم ربا، جایگاه قرض الحسنه و توزیع درآمد:

در نظام اقتصاد اسلامی، تحصیل درآمد از طریق ربای قرضی و معاملی وجود ندارد. این مسئله تأثیر زیادی در توزیع عادلانه درآمد حاصل از تولید بین عوامل شرکت کننده در آن را دارد. یکی از مفاسد مهم ربا این است که درتأمین سرمایه براساس آن، صاحب کار اقتصادی با قطع نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی، متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است که باعث به وجود آمدن متغیری «برون زا» در اقتصاد می شود و درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می گیرد که خود آثار سویی چون ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و تورم را به دنبال دارد و توازن اقتصادی کشور را در هم می کوبد.برای اثبات این مطلب به بخشی از مطالب مندج در کتاب «پول، بهره، بحران های اقتصادی ــ اجتماعی» نوشته هلموت کرویتس اشاره می کنیم.کرویتس می نویسد: در سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۷ به رغم کاهش نرخ بهره، درآمد بهره بانک ها افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ بانک ها با کسب ۴۳۱ میلیارد مارک، حدود نه برابر ۱۹۷۰ درآمد بهره داشتند در حالی که در همین فاصله زمانی، تولید ناخالص ملی تنها ۴/۲ برابر شده است.

در واقع خاصیت تقسیم ناعادلانه ثروت به وسیله بهره چنین است که در آغاز، همه به یک اندازه پول در اختیار دارند ولی در پایان بازی تنها یک نفر و یا یک عده کمی، پول زیادی در اختیار دارند؛ حال آن که ممکن است عده ای هیچ پولی در اختیار نداشته باشند. ریشه اصلی این جابجایی ناعادلانه، نظام بهره است.

۲.قرض الحسنه ، سرمایه انسانی و توزیع درآمد:

سرمایه انسانی از جمله زمینه های مهمی است که اقدامات عمومی در آن می تواند منجر به تفاوت بزرگ در توزیع درآمدها شود. بازدهی اجتماعی این کار بسیار بالاست و سرمایه گذاری در زمینه آن به افزایش بهره وری نیروی کار و به تبع آن بالا رفتن درآمد ملی و کاهش نابرابری توزیع درآمد منجر می شود.سرمایه گذاری در انسان، ظرفیت های کسب درآمد انسان در اینده را افزایش می دهد.تحقیقات متعدد نشان می دهد که افراد تحصیل کرده نسبت به کسانی که از تحصیلات کم تری برخوردارند در طول سال، ساعات بیشتری را به کار مشغولند و از درآمدها و امکانات بیشتری برخوردارند هم چنین می توان از مطالعات انجام گرفته این گونه نتیجه گیری نمود که ارتباطی مستقیم بین سرمایه انسانی اعضای خانوار و تحرک اقتصادی آنها برقرار است. هر چه سطح سواد و تخصص اعضای خانوار بالاتر باشد، تحرک اقتصادی خانوار بیش تر است و خانوار از احتمال ارتقای موقعیت درآمدی بالاتری برخوردار است.اسلام نیز در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، توجه ویژه ای به تشویق علم و فضیلت عالم و اهمیت دادن به نقش سرمایه انسانی از خود نشان داده است.

نقشی که در این جا می توان برای قرض الحسنه در نظر گرفت، استفاده از قرض الحسنه در زمینه پرداخت وام های بدون بهره و یا با کارمزد پایین برای دانشجویان و کسانی است که مایلند دوره های مختلف آموزشی را بگذرانند اما توانایی مالی استفاده از آن را ندارند. این افراد می توانند با بهره مندی از وجوه قرض الحسنه در دوران تحصیل و استفاده از آن، پس از اتمام دوران تحصیلات خود و یافتن شغل و یا ارتقای شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام کنند. بنابراین قرض الحسنه به عنوان عاملی که می تواند در دوره ای از زمان ظرفیت کسب درآمد افراد خانواده ها را دست خوش تغییر قرار دهد و تحرک اقتصادی خانوار را افزایش دهد، می تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد. البته سرمایه انسانی حتی اگر به صورت عادلانه در میان تمام جمعیت پخش شده، اما ثروت های طبیعی و مادی در دست تعداد محدودی جمع باشد، درآمد به طور کلی نابرابر توزیع خواهد شد و توسعه انسانی چندان موفق نخواهد بود.

۳.قرض الحسنه، اشتغال و توزیع درآمد:

مطالعات انجام گرفته در زمینه ارتباط اشتغال و توزیع درآمد نشان می دهند عموماً بیکاری باعث افزایش پراکندگی درآمدها می شود و کاهش در بیکاری، پراکندگی درآمدها را کاهش می دهد.اشتغال برای افراد جامعه منبعی از درآمد را فراهم می آورد و کارکنان را قادر می سازد در فعالیت های اجتماعی شرکت کنند و مولد ارزش باشند و در نتیجه به آن ها احساس عزت و اعتبار می بخشد. ضمن این که اشتغال برای برداشت کامل از فایده های سرمایه گذاری در نیروی انسانی ضروری است و در صورت نبود اشتغال، افراد نمی توانند از نیرو، مهارت، قدرت ابتکار و دانش شان به درستی بهره گیرند و بازدهی سرمایه انسانی پایین خواهد آمد.از این رو نقش اشتغال در کاهش نابرابری توزیع درآمد بیش از گذشته آشکار می شود. البته کاهش بیکاری، تنها زمانی می تواند تأثیر مثبت بر توزیع درآمد داشته باشد که به طور وسیع و یا حتی در حد محو بیکاری دائم انجام شود؛ که در این صورت ساختار اقتصاد تغییر کرده و زمینه ای مناسب برای کاهش نابرابری فراهم می اید.

مطالعات نشان می دهد که بازارهای سرمایه به خصوص در کشورهای در حال توسعه، به خوبی عمل نمی کنند. به ویژه در مورد گروه های کم درآمد که در برابر رویدادهای غیر منتظره از همه آسیب پذیرترند و کم ترین دسترسی را به بازار اعتبارات دارند. از سوی دیگر بررسی ها نشان می دهند که گاهی اعتبارهای مالی نظیر تأمین سرمایه در گردش فعالان اقتصادی ــ به ویژه کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی ــ به افزایش حجم تولید و رشد درآمدها کمک شایانی در جهت افزایش قدرت تأمین مالی به موقع دیون و تأمین مواد اولیه و مانند آن ها می توانند داشته باشند.

عقود قرض الحسنه در جهت ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع چنین ابزاری می تواند سبب استفاده از انگیزه های معنوی و اخروی در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید شود و می توانند در جهت تأمین سرمایه های اولیه تولید و تجارت ـ البته امور تولیـدی کوچک ـ و تأمین سرمایه در گردش و هم چنین قرض دادن ابزار تولید به تولیدکنندگان کوچک، فعالیت داشته باشند و در ایجاد و تداوم اشتغال مؤثر باشد. ضمناً این قبیل وام ها عمدتاً با افزایش نسبت افراد فعال به غیر فعال، به تعداد دریافت کنندگان درآمد می افزاید. به همین جهت می تواند در توزیع درآمدها مؤثر باشد.

۴.قرض الحسنه ، تورم و توزیع درآمد:

به قرض، تورم تعلق نمی گیرد و در قراردادهای مالی قرض در بانکداری اسلامی از هزینه های اداری وام و فعالیت های بانک چشم پوشی می کنند.یعنی قرض گیرنده تنها موظف است، مبلغ اسمی قرض را که در ابتدای دوره دریافت کرده است، بازپرداخت نماید. شخص یا بانک قرض الحسنه که وجوهی را برای مدتی به کسی قرض الحسنه می دهند در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر می کنند. گیرنده قرض که در واقع فرد نیازمندی است با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود به هنگام دریافت قرض از مابه التفاوت قیمت کالاها و خدمات مزبور به دلیل رشد قیمت ها در دوره قرض برخوردار می گردد؛ زیرا در صورت نبود قرض باید با پس انداز کردن پول خود در انتهای دوره اقدام به خرید کالای مزبور می کرد که به دلیل وجود پدیده رشد قیمت ها متضرر می گردید. اما اکنون به

دلیل استفاده از منابع قرض الحسنه، منفعتی از محل رشد قیمت ها عاید وی شده است که در پایان دوره قرض، مجبور به بازپرداخت آن نمی باشد.
قرض گیرنده هم چنین می تواند با دریافت مبلغ قرض و اقدام به خرید کالاها و خدمات در ابتدای دوره قرض از مابه التفاوت قیمت نقد و نسیه نیز بهره مند گردد.زیرا در صورت نبود قرض، با توجه به ضروری بودن کالای مزبور برای وی، ناچار بود کالاها و خدمات را به صورت نسیه به قیمتی بالاتر بخرد که با دریافت قرض چنین اتفاقی نیفتاده است.

۵.قرض الحسنه ، کاهش انحصارات و توزیع درآمد:

طبق دستورات اسلام همه افراد، حق برابر در به دست آوردن منابع و ثروت های اولیه تولید نظیر معادن و امکانات اولیه تولیدی دارند و هر کس مطابق میزان توانایی و تلاشش، می تواند از این منابع بهره ببرد.اسلام با تمام مواردی که منافع امت یا بخشی از آن در معرض خطر قرار داده از جمله انحصارات، مخالفت کرده و در برخی موارد ابتکار عمل را به دست دولت سپرده است.نظام اقتصادی اسلام، ابزارهای مناسبی را برای جلوگیری از انحصار در نظر گرفته است. قرض الحسنه از جمله مواردی است که علاوه بر این که زمینه تحقق انحصار را فراهم نمی آورد؛ با انتقال موقت مالکیت به طبقه نیازمندان در واقع یکی از عوامل پیدایش انحصار، که مالکیت است، را خنثی می کند.ضمناً از آن جا که در قرض الحسنه خصوصی، انتقال مالکیت به دولت نیز تحقق نمی یابد، برخلاف سیستم های توزیعی مالیاتی، انحصار دولتی نیز پدید نمی اید.

۶.قرض الحسنه،مشخصات یک توزیع مطلوب:

قرض الحسنه شاخص های یک توزیع مطلوب را داراست و می توان از آن به عنوان یک ابزار مناسب در توزیع درآمد برای جامعه اسلامی استفاده کرد؛ زیرا:
اولاً: قرض الحسنه برخلاف سیاست های توزیع مجدد دولتی، انگیزه های تلاش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی برد.سیاست توزیع کمک هزینه های نقدی و کالایی در بین افراد فقیر می تواند در شرایطی که اشتغال کامل وجود داشته باشد، باعث افزایش افراد غیر فعال و کاهش تعداد افراد فعال گردد.زیرا این گونه سیاست ها به افراد کمک می کند که دست از کار بکشند و هزینه خود را به هزینه های دولت تحمیل نمایند. در حالی که در قرض، فرد خود را ملزم به پرداخت آن پس از پایان دوره قرض می داند؛ بنابراین بر میزان فعالیت خود برای بازپرداخت قرض در پایان دوره می افزاید.
ثانیاً: قرض پس از اعمال ساز و کار قیمت ها در محدوده تولیدات مباح مطرح می شود و بنابراین مانع عمل کرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی گردد.
ثالثاً: قرض الحسنه برخلاف مالیات ها، سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی شود و تخصیص بهینه آن در جهت عدالت اجتماعی، منوط به وجود برنامه های مناسب در چارچوب بودجه عمومی نیست.در واقع استفاده از قرض به جای کمک های بلاعوض و سرمایه گذاری هایی که توسط دولت انجام می شود، می تواند بستری مناسب برای بهره مندی از آثار مشارکت عمومی را فراهم آورد و به کاهش بار سنگین حضور دولت کمک کند. یکی از توجیهات حضور دولت در اقتصاد، تلاش در جهت حل نارسایی های ناشی از کارکرد بازار است اما ممکن است که حضور بخش دولتی با نارسایی هایی همراه باشد. سوءاستفاده گروه های دولتی، بروزنتایج بهینه دوم، رانت طلبی، بروز برخی مفاسد نظیر رشوه خواری، ناسازگاری اهداف با سیاست ها و ابزارهای مورد استفاده و حصول نتایج غیر قابل پیش بینی در اثر دخالت دولت، از جمله این نارسایی ها شمرده می شود که به عمل کرد دولت و بودجه عمومی لطمه می زنند.
پیاده سازی قرض الحسنه با برنامه های مدرن در اموری مشخص و با شرط های خاص می تواند زمینه مشارکت عمومی و کاهش آثار سوء مداخله دولت در اقتصاد را به همراه داشته باشد.

رابعاً: در قرض الحسنه توجه ویژه ای به توان اقتصادی افراد جامعه شده است و وظیفه تأمین نیازهای جمعی زندگی افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض به صورت تدریجی نسبت به رفع نیازهای هم و ایجاد توزیع مناسب تر درآمدها کمک کنند.

خامساً: از آن جایی که «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض الحسنه مطرح است، بنابراین در راستای ایجاد زندگی متناسب و تأمین نیازهای اساسی آحاد جامعه مناسب می باشد.

مقایسه رشد و توسعه:

گروهی از اقتصاددانان از دو واژه توسعه و رشد به صورت مترادف استفاده می کنند. (ر.ک: قره باغیان: ۸/۱) امّا بررسی سیر تحوّل و تطوّر توسعه و رابطه آن با رشد، نشان می دهد که در دهه های اوّل ظهور علم توسعه اقتصادی، ادبیات مربوط به آن، توسعه و رشد را مفاهیم مترادف می دانستند. پس از گذشت حداکثر دو دهه و آشکار شدن این واقعیت که رشد اقتصادی، همیشه توسعه آرمانی را به ارمغان نمی آورد، شاهد تمایز بین این دو مفهوم هستیم.

به هر حال، مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی، مترادف نیستند، چون انتظار می رود هر توسعه ای رشد را به دنبال داشته باشد، ولی رشد می تواند، بدون توسعه هم محقق شود. چنانکه تصریح کرده اند که از طریق رشد اقتصادی نمی توان به توسعه دست یافت، ولی می توان با تحقق توسعه اقتصادی، انتظار رشد اقتصادی را داشت.(ر.ک: حمید رشید: ۳۳) «در حقیقت ممکن است یک اقتصاد، رشد کند بدون آنکه توسعه یابد؛ در حالی که توسعه اقتصادی همیشه با رشد است.» (قره باغیان: ۸/۱) چون «منظور از رشد اقتصادی یک جامعه، افزایش تولید آن جامعه است؛ اما توسعه اقتصادی مفهومی فراتر از افزایش تولید دارد و به بیان دیگر، توسعه اقتصادی محیط بر رشد اقتصادی است.»(روزبهان: ۱۲)

ضمنا باید توجه داشت که در فرهنگ اسلامی، توسعه به امور مادی صرف، محدود و منحصر نمی شود؛ بلکه محدود کردن آن به بعد مادی صرف، ضد عمران و توسعه است. از این رو باید ابعاد دیگر مانند ابعاد اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و معنوی نیز همزمان در نظر گرفته شود.(مصباحی: ۸) در محدوده امور مادی، بویژه مسائل اقتصادی نیز معیار و ملاک قرار دادن رشد تولید ناخالص ملی یا سرانه آن برای توسعه اقتصادی، در نگرش اسلامی کاملاً ناقص و ناکافی است و نمی تواند توضیحی برای توسعه و رشد کل جامعه به حساب آید. توصیه اسلام، افزودن شاخصهایی نظیر سرانه توزیع ثروت و امکانات، میزان بهره مندی انسانها از آنها و نگاهی جامع نگر به مسأله تولید، درآمد و مصرف در عرصه اقتصاد است.(حکیمی: ۴۴۱/۵) حتی برخی از صاحبنظران در مسائل اقتصاد اسلامی معتقدند که باید شاخص جدیدی برای توسعه یافتگی براساس الگوی اسلامی اضافه شود و آن، میزان خمس، زکات، صدقات، قرض الحسنه، انفاق و وقف می باشد. در واقع، با توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی، وجوه مربوط به موارد یاد شده افزایش می یابد و به همین نسبت از میزان رباخواری، احتکار، غش و تقلب در داد و ستد و ارتکاب معاملات حرام کاسته می شود.(صدر: ۳۵)

نقش قرض الحسنه در راهبردهای توسعه اقتصادی:

انتخاب و حتی ابداع راهبرد توسعه اقتصادی باید متکی بر ارزشهای دینی و ملی جامعه باشد، تا راهبردی انتخاب شود که با این ارزشها بیشترین تناسب را داشته باشد و با فقدان راهبردی با این ویژگی، در فکر ابداع روش جدیدی بود که غیر قابل دسترس نیست. در بررسی رابطه قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی نیز، نباید عنایت ویژه به این مهم، مورد غفلت قرار گیرد؛ چرا که، با بی توجهی به قرض الحسنه نمی توان به عنوان ابزاری مکمل در راستای توسعه اقتصادی بهره مند شد.

می توان از قرض الحسنه به عنوان ابزار مناسب، در راستای کاهش شدت اثرتوزیع نامناسب درآمدها، بهره جُست. چون افزایش اختلاف درآمدها و تشدید توزیع نامناسب درآمدها و داراییهای مولّد، ممکن است به ناخشنودی و نا آرامی سیاسی منجر شود. در حالی که توفیق هر برنامه اقتصادی، مرهون ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، بطوری که با عدم ثبات، نمی توان به نیل به اهداف راهبردها امیدوار بود.

به عبارت روشن تر در راهبرد تأمین نیازهای اساسی، «مردم محور حرکت هستند». هدف آن است که مردم، حاکم بر سرنوشت خود، تعیین کننده هدف و مجری برنامه ها باشند. بنابراین اولین و مهمترین رکن، مردم بوده و ارکان دیگر بر مدار آن شکل می گیرند. البته اجرای هر طرح از این راهبرد به تولید کار و درآمد بیشتر مردم متکی است. لازمه این که مردم خود به رفع نیازمندیهای جمعی خویش اقدام کنند، داشتن توان اقتصادی است. اتفاقاً این طرحها در مکانهایی اجرا می شود که مردم بیشترین نیاز و کمترین توان را دارند. پس در قدم اول باید برای افزایش درآمد آنان فکری کرد.

به همین دلیل، «وام بدون بهره یا کم بهره» از لوازم و ابزارهای ضروری اجرای این طرحها محسوب می شود.

اعطای وام بدون بهره در آغاز کار، از لوازم عمده اجرای طرحهای راهبرد تأمین نیازهای اساسی است. تجربه نشان داده است که مردم سریعاً و خیلی زودتر از مهلتهای تعیین شده، استطاعت لازم برای بازپرداخت وام را پیدا می کنند.(هانت: ۹۵؛ شادپور: ۴۴۳)

قرض الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی:

از جمله مواردی که در راهکارهای راهبرد نیازهای اساسی به آن تکیه شده و از ابزارهای مهم برای اعمال سیاستهای این راهبرد محسوب می شود، اعطای وامهای بی بهره و کم بهره است. بانک قرض الحسنه نیز می تواند با اتکاء بر زمینه های لازم اعتقادی و شرایط جامعه، وجوه مردم را جمع آوری نماید، تا صرف تأمین اعتبار برای نیازهای اساسی مصرفی و تولیدی کوچک به صورت وامهای بدون بهره گردد. البته دولت نیز جهت ایجاد انگیزه و تحرّک و سرعت بیشتر برای رسیدن به اهداف مورد نظر، بخشی از این اعتبارات را تأمین خواهد کرد. در واقع با وجود قرض الحسنه، بار مالی دولت در این راهبرد به شدت کاسته خواهد شد و در عین حال دولت از نظارت و هدایت نیز در راستای اهداف مزبور برخوردار می شود.

در نهاد قرض الحسنه نیز، عملاً تکیه اصلی بر همه مردم و مشارکت جدی آنان می باشد. به بیانی روشن تر، اگر چه نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی، شرط لازم و ضروری موفقیت قرض الحسنه می باشد، ولی این امور باید، به صورتی اعمال گردد که از صبغه مردمی بودن آن کاسته نشود. توجه زیاد به تأمین نیازهای اساسی و کالاهای ضروری برای طبقات کم درآمد جامعه از موضوعات مهم در این راهبرد می باشد.(ر.ک: فرجادی: ۱۱۸) در واقع، جستجوی راهبرد جدید و ابداع این راهبرد، به دلیل عدم توفیق راهبردهای سابق در رفع مشکلات طبقات کم درآمد و تأمین نیازهای اساسی آنان بوده است. طبیعی است که بخشی از این نیازها باید توسط کمکهای بلاعوض و پرداختهای انتقالی دولت و نهادهای مردمی، تأمین شود. اما بهترین روش برای رفع این نیازها، اعطای وامهای بی بهره، مانند قرض الحسنه است که ضمن رفع این نیازها، آنان را به تلاش برای کسب درآمد بیشتر برای بازپرداخت وام، وادار می کند. برای این منظور باید اعتبارات لازم برای تأسیس یاگسترش صنایع کوچک تأمین گردد تا اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر برای این افراد را در پی داشته باشد. البته در صورت اجرای موفقیت آمیز این راهکارها، افزایش تولیدات و رشد بیشتر و تحقق اقتصاد مقاومتی و کارآمد از نتایج آن خواهد بود.

قرض الحسنه ، الگوی مصرف، الگوی تولید و توزیع درآمد:

مازاد تقاضا برای کالاهای اساسی از قبیل غذا، سوخت، پوشاک و مسکن، معمولاً به عنوان یکی از پیامدهای عمده توزیع مجدد سریع درآمدها در نظر گرفته می شوند.این مسئله می تواند در مورد قرض الحسنه نیز رخ دهد. چنان چه مبلغ پرداخت شده به قرض گیرنده در جهت تأمین کالاهای مصرفی وی هزینه گردد باعث افزایش تقاضا می گردد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که قرض دهندگان در

صورت عدم پرداخت قرض، کم تر به مصرف مبلغ قرض اقدام کنند و بیش تر به پس انداز مبلغ مزبور بپردازند. اما از آن جا که قسمت اعظم نیازهای مصرفی نیازمندان را کالاهای ضروری تشکیل می دهند، می توان انتظار داشت که افزایش تقاضا بیش از همه در کالاهای ضروری دیده شود. ادامه نتایج حاصل از گسترش قرض الحسنه انگیزه ها برای سرمایه گذاری بیش تر در تولید کالاهای ضروری را افزایش می دهدو حتی به دلیل کاهش تقاضای کالاهای لوکس، بسیاری از منابع تولید کالاهای مزبور به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده می شود.آثار القایی افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری ــ و هم چنین کاهش تقاضای کالاهای لوکس ــ نتایج زیر را در بر دارد:

با توجه به این که کالاهای ضروری در مقایسه با کالاهای لوکس از نسبت کاربری بیش تری برخوردارند و برخلاف کالاهای لوکس که بیش تر وارداتی هستند، عمدتاً در داخل کشور تولید می شوند؛ می توان انتظار داشت با افزایش تولید این کالاها، اشتغال به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

با ادامه این روند، الگوی تولید کشور متناسب با نیازهای کشور جهت پیدا می کند و بخشی از درآمدهای ارزی کشور که صرف واردات کالاهای لوکس می شد، صرفه جویی می شود وتراز پرداخت ها بهبود خواهد یافت.

در چنین شرایطی تغییر الگوی تولید، آثار ثانویه ای خواهد داشت که در جهت برابر سازی توزیع درآمد عوامل تولید و تقویت آثار اولیه انتقال درآمد به وسیله قرض الحسنه، عمل خواهد کرد.

خلاصه و نتیجه گیری:

نهاد قرض الحسنه رفتاری اقتصادی برگرفته از حاکمیت ارزشهای اسلامی یا حس نوع دوستی است وباعث انتقال هزینه فرصت استفاده از وجوه از طبقات ثروتمند به سطوح پایین درآمدی و در نتیجه موجب بهبود توزیع درآمدها در جامعه می شود. حکومتها علاوه بر اهداف انسانی حداقل برای استمرار ثبات سیاسی اجتماعی ،توزیع مناسب درآمدها را به عنوان یک شاخص مهم در اهداف خود می گنجانند. بهترین شیوه متصور در نوع دخالت دولت در این رفتار پسندیده آن است که صبغه خصوصی بودن حفظ گردد ودولت به عنوان یک حامی،ناظر و هادی مقتدر، برنامه ریزی و نظارت آن را به عهده گیرد.

از ثمرات به دست آمده می توان به اثرات مثبت قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف، پس انداز و توزیع درآمد اشاره نمود.

بنابراین قرض از دیدگاه قرض گیرنده، پس انداز از طریق تصفیه تعهدات یا پرداخت دیون می باشد. از آنجا که موارد قرض معمولا کالاهای مصرفی بادوام (در قرض مصرفی) و یا کالاهای سرمایه ای (در قرض تولیدی) می باشد می توان پیش بینی کرد که کارکرد این نهاد موجب افزایش پس انداز ملی نیز گردد و از مزایای قرض الحسنه به عنوان یک منبع پس انداز می توان موارد ذیل را برشمرد:

الف- تحقق نیافتن هیچ گونه نشستی در اقتصاد توسط قرض الحسنه (به دلیل معیار نیازمند بودن وام گیرنده و استفاده بی درنگ او)

ب- به جریان افتادن وجوه راکد.

ج-تاثیر قرض بر تثبیت اقتصادی از طریق تاثیر آن بر پس انداز ملی.

د- استفاده از انگیزه های معنوی جهت افزایش پس انداز. اثر قرض بر توزیع درآمد

اسلام بر خلاف نظام سرمایه داری که علت اصلی مشکلات اقتصادی را محدود بودن منابع طبیعی از یک طرف و نیازهای متنوع انسان از طرف دیگر می داند، ریشه اساسی مشکلات مزبور را توزیع ناعادلانه و سهل انگاری در استفاده صحیح از منابع طبیعی می داند.

به همین سبب، نظام اقتصادی اسلام به توزیع درآمد در تمامی مراحلش (قبل از تولید، بعد از تولید و توزیع مجدد) برای رفع این مشکلات اهمیت داده است.

طبق اصل پیگو و براساس قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد پر درآمد از مطلوبیت کم تری برخوردار است. در مقابل، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد کم درآمد از مطلوبیت بیش تری برخوردار است؛ بنابراین صاحبان

درآمدهای بالا در جدا شدن بخش مزبور از درآمد شان و انتقال آن به گروه های پایین درآمدی، حساسیت چندانی نشان نمی دهند. حال با توجه به پاداش معنوی ای که برای قرض الحسنه در نظر گرفته شده است، ثروتمندان انگیزه بیش تری در پرداخت قرض الحسنه از خود نشان می دهند. پرداخت قرض الحسنه در این شرایط ضمن این که مطلوبیت کل جامعه را افزایش می دهد، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را به دنبال خواهد داشت.

طبق فرمایش مقام معظم رهبری و بیان ارکان اقتصاد مقاومتی مشخص گردید که یکی از راهبردهای اساسی و لازم نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده و گسترش هرچه بیشتر فرهنگ مقدس قرض الحسنه با توجه به تاثیر ان در اقتصاد اسلامی و مقاومتی میباشد.

در پایان خدا را شکر میگذارم که توفیق حرکت در مسیر مقدس قرض الحسنه را برایم فراهم نمود و تشکر ویژه دارم از تمام همکاران و دوستانی که بنده را در این مقاله یاری نمودند به خصوص ازراهنمایی وکمک فراوان جناب آقای مسکین مدیریت محترم بانک قرض - الحسنه رسالت در استان اصفهان.

ومن الله توفیق

منابع:

۱) قرآن کریم
۲) نهج البلاغه
۳) تفسیر نمونه
۴) فرمایشات مقام معظم رهبری
۵) سخنان شهید مطهری
۶) کتاب شریف کافی
۷) کمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید،۱۳۷۷، ش۱۴، ص۲۳۵.
۸) میرمعزی، سیدحسین، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن»، نامه مفید،۱۳۷۷، ش۱۴، ص۲۱۸
۹) هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه وآثار اقتصادی آن، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ۱۳۷۸، ص ۵-۶۰
۱۰) بختیاری، صادق، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک،(تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی)، ۱۳۸۲، ص۲۹.
۱۱) جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی (۱)، (تهران: سمت)، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸.
۱۲) منتظر ظهور، محمود، اقتصاد، (تهران: دانشگاه تهران)، ۱۳۷۶، ص۲۵۴.
۱۳) صادق بختیاری، پیشین، ص ۵۲.
۱۴) ابوالفتحی قمی، ابوالفضل، درآمدی بر شناخت شاخص های نابرابری درآمد و فقر، (تهران: مرکز آمار ایران)، ۱۳۷۱،ص۴-۳.

۱۵) صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، محمدکاظم موسوی،(تهران:انتشارات اسلامی)، ج۱، ص۴۲۶- ۴۲۴.
۱۶) عمر چپرا، محمد، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، محمد جواد مهدوی، (مشهد: آستان قدس رضوی)، ۱۳۷۴، ص۲۱۴.
۱۷) هادوی نیا، علی اصغر، «ارزیابی عملکرد صندوق های قرض الحسنه در ایران»، مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲، ص.
۱۸) دادگر، یدا...، اقتصاد بخش عمومی، (قم: دانشگاه مفید)، ۱۳۸۰، ص۳۳.
۱۹) میرمعزی، سید حسین، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید،۱۳۷۷، ش۱۴، ص۲۱۴.
۲۰) هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و اثرات اقتصادی آن، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ۱۳۷۸، ص۱۴۴.
۲۱) موسویان، سید عباس، «بهره بانک های دولتی»، نامه مفید،۱۳۷۷، ش۱۴، ص۲۲۶.

۲۲) کرویتس، هلموت، پول، بهره، بحران های اقتصادی ــ اجتماعی، حمید رضا شهمیرادی، (تهران: کانون اندیشه جوان)، ۱۳۷۸.
۲۳) اکبریان، رضا، «تحلیل از مفاهیم بهره و سپرده گذاری در اقتصاد اسلام» مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲، ص۵۱۹.
۲۴) ماجدی، علی و حسن گلریز، پول و بانکداری از نظریه تا سیاستگذاری، (تهران :مؤسسه بانکداری ایران)،۱۳۷۳، ص۲۱۸.
۲۵) لوکایان، ژاک و دیگران، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، احمد اخوی، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)، ۱۳۷۳، ص۱۳۱.